



م ج م و ع ا د م م م م

٦

دُعاهای منتخب از دفع بیلا



بیادین المسلمة ونا
تیسیم

دیباچه

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

زندگی در نشئه ناسوت به منزله تکاپوی مداوم برای عبور از گردنه‌های پر پیچ و خم بلاء و ابتلاء است، چرا که باری تعالی فرمود «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَيْدٍ»؛ «همانا ما انسان در سختی آفریدیم» و البته نوع ما مخاطبان آیه شریفه در این سرابه دنبال آرامش هستیم غافل از آن که آن چه می‌خواهیم به نحو مطلق از شئون آن جهانی است و اینجا مهمانسرای عبور است و نه خانه اقامت و حضور.

البته مخفی نماند که: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» متعاقب هر سختی، آسانی است. برای آنانکه همیشه چشم به قلّه دارند، مشکلات سیر، شرین و نتایج استقامت ثمین است.

رنج راحت دان چو مطلب شد بزرگ

گرد گله توتیای چشم گرگ

هدف که عالی شد، مسیر هموار می شود. آزمایش‌ها و آزمون‌ها به مثابه تمرین برای ورزیده‌تر شدن، بعد از مدتی لباس فشار و آزار را خلع کرده جامعه حلاوت و صباحت به تن شخص حلیم می‌پوشاند، رضا به باده بده و ز جبین گره بگشا!

راهی کوی دوست در و دیوار نظام هستی را می‌بوسد و متبرک می‌شمارد به خاطر آن که بوی محبوب می‌دهد، بلا باشد یا عطا، فیض باشد یا ضیق، غم باشد یا شادی! ﴿وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾^(۱) «و در این کار نعمتی بزرگ است برای شما».

بگذریم که بسیاری از گرفتاری‌ها و ناملايمات [به غیر از دشواری‌هایی که محض ترفیع و رتبه و ترقی و تعالی بنده است] به سبب گناهان ماست و إلا؛

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

آن چه بر سر ما می‌آید یقیناً در اثر لغزش‌ها و کوتاهی‌هاست و هر چه هست از قامت ناساز ماست! ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ﴾^(۲) البته متذکر می‌شویم که بلاها دو گونه‌اند:

۱. بلاء حَسَن: که نتیجه از دیاد ایمان و باعث ارتقاء رتبه سالک است.

۲. بلاء عقوبت: که نتیجه سیئات و ملکاتِ رذیله‌اند.

عارفِ قرآن پژوه و سالک مجاهد مرحوم آیت الله میرزا حسن مصطفوی تبریزی صاحب اثر وزین «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» در مادهٔ بلاء می‌فرماید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِيهَا [البلاء] هُوَ اِيجَادُ التَّحَوُّلِ، أَيِ التَّقَلُّبِ وَالتَّحْوِيلِ لِلتَّحْصِيلِ نَتِيجَةً مَنْظُورَةً وَهَذَا الْمَعْنَى يَنْطَبِقُ عَلَى جَمِيعِ مَوَارِدِهَا وَمَصَادِقِهَا»

تحوّل و تغییر برای نیل به مقصود لازم و بلکه ناگزیر است.

علامه طباطبایی در جلد ۲ المیزان ص ۲۰۹ نیز می‌فرماید: کلمه «ابتلاء» که جمله «نَبِّئَنِيهِ» از آن مشتق است به معنای نقل چیزی از حالی به حال دیگر و طوری به طور دیگر است، مثلاً طلا را در بوتۀ ابتلاء ذوب می‌کنند تا به شکلی که می‌خواهند در بیاید و خدای متعال هم انسان را مبتلا کرده تا از نطفه خلقش کند.

این بود کلام بزرگ محرم اسرار قرآن علامه طباطبایی رحمته الله. پس چنان که ملاحظه می‌فرمایید آن چه در عرف ما فارسی زبان‌ها رایج شده با ادبیات قرآن در مواجهه با «بلا» قدری متفاوت است و اغلب ما آن را مترادف با مصیبت می‌گیریم و حال آنکه بسیاری اوقات سگّوی پرش و نقطه عزیمت‌ها عرصه ابتلا و حیطة بلاء است.

مع الأسف سهم ما بیشتر آن روی سگه است یعنی عقوبت قصور و تقصیر و تازیانه اثتباہ و بیداری که این هم غنیمت است.
 «هر چه از دوست رسد نکوست».

به تعبیر راحل عظیم الشان ما مرحوم آیت الله العظمی بهجت رحمته الله:
 «هر بلایی که به ما می رسد [به معنای دوّم آن] در اثر دوری از اهل بیت و روایات مأثوره ایشان است». اکنون که در زمانه پر درد دوری از سر چشمه حسنات و امام کائنات به سر می بریم، باید چاره و علاج این محرومیت اختیاری و مصیبت عظمی را تدارک کنیم. این روزها که دشنه بدخواهان و کینه ورزان به پیکره امت اسلامی خصوصاً قلب تپنده آن یعنی وارثان مکتب سرخ علوی و فاطمی وارد شده باهتک مقدّسات و حمله به نوامیس آنان و نبش قبر نورانی صحابی بزرگ پیامبر عظیم الشان و حواری سترگ امیرالمؤمنین یعسوب الدین علیه افضل صلوات المصلین جناب حجر بن عدی بلایی نازل شده که رفع و دفع آن به هر شکل ممکن واجب فوری است و تعلّل گناهی است نابخشودنی. صد البته شیعیان علی و فاطمه علیها السلام سکوت نکرده و نمی کنند و با همه توش و توان جلوی سرایت این میکروب کشنده را خواهند گرفت.

اما آنچه در این وجیزه گفتنی است، آن است که دو وظیفه قطعی متوجّه ماست؛

اول: کوشش همه جانبه و ذو ابعاد برای اِمحاء این بلاى خانمانسوز به هر طریق ممکن و سعی در بیداری همه غافلان و شبزدگان.
دوم: دعای خالصانه عملاً، قلباً و لساناً، به طوری که مسئله دعا تبدیل به یک شیوه، سبک و عامل محرک برای جلب فیض و دفع شرّ شود.

هویت دعا دو چیز است:

۱. درک عجز محض و فقر مطلق در برابر پروردگار.
۲. انقطاع تامّ و توجّه کامل به مبدأ خیرات و منشأ همه قدرت‌ها و زیبایی‌ها.

از صمیم دل و عمق جان می‌خواهیم خداوند متعال صاحب کار را برساند و صبح قریب فتح و ظفر پهنه عالم را به نور اشراقش روشن فرماید و به این امید مجموعه حاضر را که مشتمل بر منتخبی از ادعیه دفع بلاست را به نیت تسلّی قلب مجروح بهانه خلقت و مادر امامت، حضرت زهراى مرضیه فاطمه رضیه، همچون گلفرشی به زیر قدم‌های بانوی نور پیشکش می‌کنیم.

تا یار که را خواهد و میلش به که باشد...

محمّد ارشادی مقدّم

عضو هیئت تحریریه

ختامه مسك:

در پایان این سطور چه نیکوست که به روایاتی پیرامون امر به دعا به هنگام نازل شدن بلا از باب «کلامکم نور و امرکم رشد» اشاره کنیم؛

۱- حضرت صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَدْ أُبْرِمَ
إِبْرَامًا.

همانا دعا برمی‌گرداند قضاء و قدری را که از آسمان نازل گردیده و به سختی محکم گردیده است.

۲- امام رضا به نقل از امام سجّاد علیه السلام فرمود:

إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَا فِقَانٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. إِنَّ الدُّعَاءَ
لَيُرَدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا.

همانا دعا و بلاء تا روز قیامت همراه یکدیگرند، و همانا دعاء بلایی را که به سختی محکم شده است برمی‌گرداند.

۳- امام رضا علیه السلام فرمود: همواره امام سجّاد علیه السلام می‌فرمود:

الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ.

دعا بلایی را که نازل شده و آن چه نازل نشده را دفع می‌کند.

۴- زراره گوید: حضرت باقر علیه السلام به من فرمود: آیا تو را راهنمایی نکنم به چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن استثناء نکرده است؟ عرض کردم: چرا، فرمود:

الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا.

دعا است که برمی‌گرداند قضاء مبرم را که به سختی محکم شده است - و (برای تشبیه و وضوح مطلب) انگشتانش را به هم چسباند - (یعنی شدت ابرام آن مانند این انگشتان چسبیده بهم باشد).

۵- عبدالله بن سنان گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود:

الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَامًا، فَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ، فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَنَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَإِنَّهُ لَيْسَ بَابٌ يُكْثَرُ قَرَعُهُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ.

دعاء قضاء محکم و حتمی را برمی‌گرداند، پس بسیار دعا کن که آن کلید هر رحمت و پیروزی در هر حاجت است، و به آن چه نزد خدای عزوجل است جز به وسیله دعا نتوان رسید، و هیچ دری بسیار کوبیده نشود جز این که امید به باز شدن آن نزدیک شود.

۶- أبو ولاد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

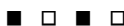
عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلْبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ
الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا امْضَاؤُهُ، فَإِذَا دُعِيَ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَسُئِلَ صُرِفَ الْبَلَاءُ صَرْفَةً.

بر شما باد (که ملازمت کنید) به دعا، زیرا دعا به درگاه خدا و
خواستن از او، بلائی را که مقدر شده و حکم بدان شده است، و
جز اجرای آن چیزی نمانده است را برمی گرداند، پس چون از
خدای عزوجل درخواست می شود بلا به یکباره برداشته
می شود. (۱)

۷- امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

سُوِّوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ
ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ.

ایمان خود را با صدقه نگه دارید و اموالتان را با زکات دادن
حفظ کنید و موجهای بلا را با دعا دور کنید. (۲)



۱. شش روایت فوق از کتاب کافی: ۲ / ۴۶۹ و ۴۷۰ آورده شده است.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۴۶.

پیامبر اکرم ﷺ:

این دعای ارزشمند از امام صادق علیه السلام روایت شده و ایشان از پدران گرامی خویش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: همانا هر که خدا را به این دعا بخواند و سه مرتبه «بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را بخواند خداوند تعالی در آن روز او را از هفتاد و هفت نوع بلاء نجات دهد که هر کدام آنها بزرگتر از کوههای به هم پیوسته می باشد و خدای تعالی او را از هر سخن یا حادثه بدی یا ناراحتی یا مصیبتی یا قرض یا سحر پادشاه یا شیطان که به او برسد ایمن دارد. و آن را می خوانی در حالی که با وضو هستی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَمْنًا وَإِيمَانًا وَسَلَامَةً وَإِسْلَامًا وَرِزْقًا وَغِنًى
وَمَغْفِرَةً لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعُرْفَةَ
وَالْغِنَى. يَا خَيْرَ مَنْ نُودِيَ فَأَجَابَ وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ فَاسْتَحَابَ وَيَا

خَيْرَ مَنْ عُبِدَ فَأَتَابَ يَا جَلِيسَ كُلِّ مُتَوَحِّدٍ مَعَكَ وَ يَا اَنْبَسَ كُلِّ مُتَقَرِّبٍ
 بِخَلْوَاتِكَ يَا مَنْ الْكَرَمُ مِنْ صِفَةِ اَفْعَالِهِ وَ الْكِرِيْمُ مِنْ اَجَلِّ اَسْمَائِهِ
 اَعِزَّنِي وَ اَجِرْنِي يَا كَرِيْمُ. اَللّٰهُمَّ اَجِرْنِي مِنَ النَّارِ وَ ارْزُقْنِي صُحْبَةَ
 الْاَخْيَارِ وَ اجْعَلْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْاَبْرَارِ اِنَّكَ وَ اِحْدُ قَهَّارُ مَلِكُ جَبَّارُ
 عَزِيْزٌ غَفَّارٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي مُسْتَجِيْرُكَ فَاجِرْنِي وَ مُسْتَعِيْذُكَ فَاعِزَّنِي
 وَ مُسْتَعِيْثُكَ فَاعِثْنِي وَ مُسْتَعِيْنُكَ فَاعِنِّي وَ مُسْتَنْقِذُكَ فَانْقِذْنِي
 وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَانصُرْنِي وَ مُسْتَرْزُقُكَ فَارْزُقْنِي وَ مُسْتَرْشِدُكَ فَانْقِذْنِي
 وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَانصُرْنِي وَ مُسْتَرْزُقُكَ فَارْزُقْنِي وَ مُسْتَرْشِدُكَ
 فَارْشِدْنِي وَ مُسْتَعِصِمُكَ فَاعصِمْنِي وَ مُسْتَهْدِيْكَ فَاهْدِنِي
 وَ مُسْتَكْفِيْكَ فَاكْفِنِي وَ مُسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي وَ مُسْتَسِيْبُكَ فَتُبْ عَلَيَّ
 وَ مُسْتَعْفِرُكَ فَاعْفِرْ لِي ذُنُوْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ.

يَا مَنْ لَا تَضُرُّكَ الْمَعْصِيَّةُ وَ لَا تَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ اِغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ
 وَ هَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا از تو می‌خواهم ایمنی
 بخشی و ایمان و تندرستی و اسلام، و روزی و بی‌نیازی، و
 آموزشی که هیچ‌گناهی را وا نگذارد، خدایا! از تو هدایت و
 تقوی و پاکدامنی و بی‌نیازی را خواستارم.

ای بهترین کسی که ندا کرده و پاسخ داد، و ای بهترین کسی که خوانده شده و اجابت کرد، و ای بهترین کسی که بندگی شد و پاداش داد، ای هم‌نشین هر یگانه پرستی که تو را برگزید، و ای مونس هر که در خلوت‌هایت با تو نزدیک شد، ای آنکه بزرگواری از ویژگی‌های کارهای اوست، و بزرگواری از بهترین نام‌هایش است، ای بزرگوار! مرا نجات بده، و در پناه گیر.

خدایا! مرا از آتش پناه ده، و هم‌نشینی نیکان را روزی‌ام فرما، و در روز قیامت مرا از نیکان قرار ده، تو یگانه و نیرومندی، فرمانروا و قدرتمند، استوار و آمرزنده‌ای.

خدایا! از تو پناه خواهم پناهم ده، و به تو پناهنده‌ام در پناهم گیر، و از تو فریادرسی می‌طلبم به فریادم برس، و از تو یاری می‌جویم یاری‌ام نما، و از تو خواستار نجات هستم نجاتم ده، و از تو خواستار کمک می‌باشم کمک کن، و از تو روزی می‌خواهم روزی‌ام ده، و از تو هدایت و راهنمایی می‌خواهم راهنمایی‌ام نما، و از تو خواستار نگاهداری‌ام از گناه نگاهم دار، و از تو هدایت می‌طلبم هدایتم کن، و از تو خواستار کفایت کارهایم هستم کفایتم فرما، و از تو خواستار مهربانی و لطف هستم مرا مشمول رحمتت قرار ده، و به سوی تو توبه می‌کنم توبه‌ام را بپذیر، و از تو آمرزش می‌طلبم گناهانم را ببامرز، به درستی که گناهان را جز تو کسی نمی‌آمرزد.

ای آنکه گناه به او ضرر نزده، و بخشش از او نمی‌کاهد، آنچه

به تو ضرر نمی‌زند را از من درگذر، و آنچه از تو نمی‌کاهد را بر من ببخشای.

آنگاه سه بار «بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوّة الا بالله العليّ العظيم» را بخوان.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس این نام‌ها را بخواند، خدا ^۲ دعای او را مستجاب می‌فرماید. اگر این نام‌ها بر صفحه‌های آهن خوانده شود، به اذن خدا آن آهن گداخته می‌شود. سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری فرستاده است، اگر کسی دچار تشنگی و گرسنگی شدید باشد و این دعا را بخواند، گرسنگی و تشنگی او برطرف می‌شود. سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری فرستاد است، اگر کسی آن را بر کوهی (که میان او و مقصدش قرار گرفته) بخواند، در کوه راهی پیدا شده و از آن بگذرد. سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری فرستاده است، اگر این دعا برای شفای دیوانه‌ای خوانده شود، از دیوانگی رهایی یابد. اگر برای زنی که زایمانش سخت شده خوانده شود، خداوند زایمان او را آسان گرداند. اگر این دعا را بخواند در حالی که خانه‌اش میان شهری باشد که در حال سوختن است، منزل او نجات یافته و نخواهد سوخت. اگر چهل شب جمعه این دعا را بخواند، خدا تمام گناهان او را بیامرزد... قسم به کسی که مرا به حق به

پیامبری برانگیخت، هیچ اندوهگینی آن را نمی‌خواند مگر اینکه خداوند به رحمتش غم او را در دنیا و آخرت برطرف فرماید. سوگند به کسی که به حق مرا به پیغمبری برانگیخت، کسی که می‌خواهد بر فرمانروای ستمگر وارد شود، اگر قبل از ملاقات و دیدن او این دعا را بخواند، خدا فرمانروا را فرمانبر او کرده و شر او را کفایت می‌فرماید. و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ احْتَجَبَ بِشُعَاعِ نُورِهِ عَنِ نَوَاطِرِ خَلْقِهِ يَا مَنْ تَسَرَّبَلَ بِالْجَلَالِ وَالْعِظَمَةِ وَاشْتَهَرَ بِالتَّجَبُّرِ فِي قُدْسِهِ يَا مَنْ تَعَالَى بِالْجَلَالِ وَالْكِبْرِيَاءِ فِي تَفَرُّدِ مَجْدِهِ يَا مَنْ انْقَادَتِ الْأُمُورُ بِأَزْمَتِهَا طَوْعاً لِأَمْرِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ مُجِيبَاتٌ لِدَعْوَتِهِ يَا مَنْ زَيَّنَ السَّمَاءَ بِالنُّجُومِ الطَّالِعَةِ وَجَعَلَهَا هَادِيَةً لِخَلْقِهِ يَا مَنْ أَنْارَ الْقَمَرَ الْمُنِيرَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ أَنْارَ الشَّمْسَ الْمُنِيرَةَ وَجَعَلَهَا مَعَاشاً لِخَلْقِهِ وَجَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِعِظَمَتِهِ يَا مَنْ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بِشَرِّ سَحَابِ نِعْمِهِ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَثْبَتَهُ فِي قُلُوبِ الصَّافِينَ الْحَافِينَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتَرَجَعْتَ الْقُلُوبُ إِلَى الصُّدُورِ عَنِ الْبَيَانِ بِإِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّةِ وَتَحْقِيقِ الْفُرْدَانِيَّةِ مُقَرَّةً

لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَسْأَلُكَ
 بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَجَلَّيْتَ بِهَا لِلْكَلِيمِ عَلَى الْجَبَلِ الْعَظِيمِ فَلَمَّا بَدَأَ شِعَاعُ
 نُورِ الْحُجُبِ مِنْ بَهَاءِ الْعِظَمَةِ خَرَّتِ الْجِبَالُ مُتَدَكِّدَةً لِعِظَمَتِكَ
 وَجَلَالِكَ وَهَيْبَتِكَ وَخَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ رَاهِبَةً مِنْكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي فَتَّقْتَ بِهِ رَثَقَ عَظِيمِ
 جُفُونِ عِيُونِ النَّاطِرِينَ الَّذِي بِهِ تَدْبِيرُ حِكْمَتِكَ وَشَوَاهِدُ حُجَجِ أَنْبِيَائِكَ
 يَعْرِفُونَكَ بِفِطْنِ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ فِي عَوَامِضِ مُسَرَّاتِ سَرِيرَاتِ
 الْغُيُوبِ. أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ ذَلِكَ الْإِسْمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تُصَرِّفَ عَنِّي جَمِيعَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ
 وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ وَالشُّكِّ وَالشَّرِّ وَالْكَفْرِ وَالنَّفَاقِ وَالشَّقَاقِ
 وَالْعُضْبِ وَالْجَهْلِ وَالْمَقْتِ وَالضَّلَالَةَ وَالْعُسْرَ وَالضِّيْقَ وَفَسَادِ
 الضَّمِيرِ وَحُلُولِ النَّقْمَةِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَغَلْبَةِ الرَّجَالِ إِنَّكَ سَمِيعُ
 الدُّعَاءِ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ. (١)

خداوندا، ای که به سبب پرتو نور خود از نظر مخلوقاتش پنهان
 شده، ای کسی که پیراهن جلال و بزرگی را پوشیده و به

جبروت و منزّه بودن (از نقص‌ها و عیب‌ها) شناخته شده، ای کسی که بلند مرتبه است به سبب جلال و بزرگواری و شرف خود، ای که همه چیز از فرمان او اطاعت نموده، ای که آسمان‌ها و زمین‌ها به پای ایستاده‌اند در حالی که او را فرمانبردارند، ای که آسمان را به ستاره‌های طلوع‌کننده زینت بخشیده و آنها را راهنمای مخلوقات گردانیده، ای که ماه روشن را در سیاهی شب تاریک به لطف خود روشن کرده، ای کسی که آفتاب روشن را نورانی گردانیده و آن را سبب زندگانی (یا زمان تحصیل معاش) برای خلق خود گردانیده، آن را جداکننده میان شب و روز به بزرگی خود قرار داده، ای که به سبب گسترده نمودن ابرهای نعمت‌زا، سزاوار شکر است، از تو به عزّت و رفیع بودن عرش تو درخواست می‌کنم، به رحمت‌های نوشته در کتاب تو، به هر نامی که برای تو است و به آن خود را نامیده‌ای یا آن را در علم پنهان خود نهاده‌ای و به هر نامی که برای توست که آن را در کتاب خود نازل نموده‌ای یا در دل‌های صف کشندگان و طواف‌کنندگان دور عرشت نوشته‌ای، پس دل‌ها و سینه‌ها با اخلاص، یگانگی تو را اقرار کرده، بی‌همتایی تو را پذیرفته و بندگی تو را می‌کنند و می‌گویند: تو خدایی، تو خدایی، تو خدایی، نیست خدایی مگر تو، تو را به نام‌هایی می‌خوانم که آنها را برای موسی کلیم‌الله بر کوه بزرگ ظاهر نموده‌ای، پس چون شعاع روشنی

حجاب‌های تو از روشنی تو ظاهر شد، کوه‌ها از هم پاشیدند و جهت بزرگی و جلالت و ترس از قهر تو هموار گردیدند، نیست خدایی مگر تو، نیست خدایی جز تو، نیست خدایی مگر تو، تو را به نامی می‌خوانم که به برکت آن به هم چسبیده بودن شدید پلک چشم‌های نگاه‌کنندگان را گشوده‌ای، چنان نامی که تدبیر دانش تو و شاهد دلیل‌های پیغمبران توست، ایشان تو را از راه زیرکی دل‌های خود می‌شناسند و حال آن که حقیقت تو پوشیده و پنهان و نهان و مخفی است. به عزّت آن نام درخواست دارم که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد، بازداری از من [و خویشان و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه] آفت‌ها و بلاها و بیماری‌ها و خطاها و گناهان را، نیز شک نمودن و شرک‌ورزیدن و کفر و عداوت و نفاق و گمراهی و نادانی، و بغض و غضب و پریشانی را، هم‌چنین تنگدستی و اعتقادات بد و وارد شدن عقوبت و سرزنش دشمنان و مسلط شدن دیگران بر من را، که تو شنوای دعایی، مهربانی آنچه که خواهی و درود بفرست بر محمد و آل او، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. و نیست حرکتی و توانایی مگر برای خدای بلند مرتبه بزرگ.



امام صادق از پدران گرام خویش از پیامبر اکرم ﷺ

۳

روایت کرده که ایشان امام حسن و امام حسین علیهما السلام را به

وسیله این دعا تعویذ نمود و به اصحاب خویش نیز قرائت این دعا را

دستور می داد، و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أُعِذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَا
رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوْلَانِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ جَبْرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ
وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ رَأْفَةِ اللَّهِ وَ عِزَّةِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ
وَ بِلَاءِ اللَّهِ وَ بِصَنِيعِ اللَّهِ وَ بِأَرْكَانِ اللَّهِ وَ بِجَمْعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرِسْوَلِ
اللَّهِ ﷺ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْأَهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ
الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا
وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي
أَخَذُ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ. (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان، جان و دین و خاندان و مال و

فرزندان و پایان عملم و آنچه پروردگارم به من روزی کرده و به

من ارزانی داشته را پناه می‌دهم به عزّت و عظمت و قدرت و نیرو و رحمت و مهربانی و بخشش و توان و قدرت الهی. و به نعمت‌های الهی و مخلوقات او، و تکیه‌گاه‌ها و گرد آوری خدای بزرگ، و به فرستاده خدا که درود خدا بر او و بر خاندانش باد، و قدرت خدا بر هر چه بخواهد، از شرّ جنبنندگان سمّی و غیر سمّی، و از شرّ جن و انس، و از شرّ آنچه در زمین می‌جنبید، و از شرّ آنچه از آن خارج می‌گردد، و از شرّ آنچه از آسمان نازل می‌شود، و آنچه در آن صعود می‌کند، و از شرّ هر جنبده‌ای که جانش در اختیار پروردگارم است، به درستی که پروردگارم بر راه مستقیم قرار دارد، و او بر هر چیز تواناست، نیرو و توانی جز به خدای برتر و والا نیست، و درود خدا بر آقای ما محمّد و تمامی خاندان او باد.



روایت شده مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از ستم شخصی به خویش شکایت کرد، امام فرمود: چرا دعای مظلومی که پیامبر به حضرت علی علیه السلام آموخت را نمی‌خوانی؟ هیچ مظلومی آن را علیه ظالمی نمی‌خواند جز آنکه خداوند او را یاری کرده و شرّش را کفایت می‌کند، و دعا این است:

اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمَّأَ وَ عَمَّهُ بِالْبَلَاءِ عَمَّأَ وَ قُمَّهُ بِالْأَذَى قَمَّأَ وَ أَرْمِهِ

بِیَوْمٍ لَا مُعَادَ لَهُ وَ سَاعَةٍ لَا مَرَدَّ لَهَا وَ أَبْحَ حَرِيمَهُ وَ صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ
 وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ اكْفِنِی أَمْرَهُ وَ قِنِی شَرَّهُ وَ اصْرِفْ
 عَنِّي كَيْدَهُ وَ أَخْرِجْ قَلْبَهُ وَ سُدِّ فَاهُ عَنِّي وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِإِلْرَحْمَنِ
 فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ
 ظُلْمًا أَحْسَوُ فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ صَهْ صَهْ صَهْ صَهْ صَهْ صَهْ (۱)

خدایا! او را در بلا فرو بر، و در مشکلات غوطه‌ور ساز، و او را
 دچار آزار و اذیت فراوان نما، و او را به روز و ساعتی مبتلا کن
 که راه فراری نداشته باشد، و آبرویش را ببر، و درود فرست بر
 محمد و خاندانش که بر او و بر آنان درود باد و شرّ او را از من
 باز دار، و کارش را از من کفایت کن، و کید و مکرش را از من
 باز دار، و قلبش را نابود کرده، و دهانش را از من ببند، و صداها
 در مقابل خدای مهربان آرام گردیدند و جز صدای آرام را
 نمی‌شنوی، و چهره‌ها در مقابل خدای زنده و پابرجا خاضع
 گردیده، و آنکه ستم می‌کند زیانکار می‌گردد، دور شوید و
 سخن نگویند، ساکت شو، ساکت شو، ساکت شو، ساکت شو، ساکت شو،
 ساکت شو، ساکت شو، ساکت شو.



امیرالمؤمنین علیه السلام:

راوی حدیث گوید: بعد از شهادت امام رضا علیه السلام تعویذی
 ۵ آویخته به لباس آن حضرت یافته شد که در پایان آن
 نوشته بود که پدران آن حضرت علیهم السلام می فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام در
 برابر دشمنان از این دعا استفاده می کرد و آن را در غلاف شمشیر نگاه
 می داشت. در پایان آن نام های خداوند متعال بود و بر فرزندان خود
 شرط کرده بود تا آن را در برابر کسی به کار نگیرند زیرا هر که آن را
 بخواند دعایش از پروردگار بزرگ و پاکیزه نام، بازداشته نشود. دعا این
 بود:

اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَوَجَّهُ. اللَّهُمَّ سَهِّلْ
 لِي حُزُونَتَهُ وَكُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّ لِي صُعُوبَتَهُ وَكُلَّ صُعُوبَةٍ وَاكْفِنِي
 مَوْتَتَهُ وَكُلَّ مَوْتَةٍ وَارْزُقْنِي مَعْرُوفَهُ وَوَدَّهَ وَاصْرِفْ عَنِّي ضَرَّهُ
 وَمَعْرَتَهُ إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ
 اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ طَه
 حَمْ لَا يُبْصِرُونَ جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ
 مُقْمَحُونَ. وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ

فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ
وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَ. فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ
وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ صَمُّكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ طَسَمَ تِلْكَ آيَاتُ
الْكِتَابِ الْمُبِينِ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ
عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.

الْأَسْمَاءُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ بِالْإِعْزَازِ الَّذِي لَا يُرَامُ
وَ بِالْمَلِكِ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ بِالنُّورِ الَّذِي لَا يُطْفَى وَ بِالْوَجْهِ الَّذِي
لَا يَبْلَى وَ بِالْحَيَاةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ بِالصَّمَدِيَّةِ الَّتِي لَا تَفْهَرُ
وَ بِالدَّيْمُومِيَّةِ الَّتِي لَا تَفْنَى وَ بِالِاسْمِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ بِالرُّبُوبِيَّةِ الَّتِي
لَا تُسْتَدَلُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.
(و حاجتت را ذکر می کنی).^(۱)

پروردگارا! به تو آغاز کرده و از تو یاری می جویم و به محمد
- که درود تو بر او و خاندانش باد - روی می آورم؛ پروردگارا
دشواری آن و هر دشواری را برایم آسان نما و این مشکل و
تمام مشکلات را برایم برطرف گردان و رنج آن و هر رنجی را
کفایت فرما.

دوستی و محبتش را روزیم فرموده و ضرر و رنجش را از من دور دار؛ تو آنچه را بخواهی محو و اثبات می‌کنی و امّ الکتاب در نزد توست.

آگاه باشید که هیچ خوف و حزنی برای دوستان خدا نمی‌باشد؛ ما فرستادگان پروردگارت می‌باشیم، و آنان هرگز بتو نمی‌رسند، طه حم، نمی‌نگرند، و در گردن‌هایشان غل و زنجیرهایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را بالا نگه داشته است؛ و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم؛ لذا نمی‌بینند. اینان کسانی هستند که خداوند بر قلب‌ها و گوش‌ها و دیدگان‌شان مهر نهاده و اینان غافلانند؛ شکی نیست که خداوند به پنهان و آشکارشان آگاهست و بزودی شرّشان را از تو دفع می‌کند و او شنوا و داناست و می‌بینی آنان به تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند، کردند، لالند، کورند؛ پس باز نمی‌گردند.

طسم این آیات کتاب آشکار است، شاید تو جانّت را بخاطر ایمان آنان از بین ببری، اگر بخواهیم از آسمان برای آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که در مقابل آن خاضع شوند.

نامها: خداوندا! از تو می‌خواهم به دیده‌ای که به خواب نمی‌رود؛ به عزّتی که مورد سوء قصد قرار نمی‌گیرد، و به فرمانروایی که ستم نمی‌کند و به نوری که خاموش نمی‌شود و به چهره‌ای که پوسیده نمی‌گردد؛ به زنده‌ای که نمی‌میرد و به

قدرتی که مغلوب نمی‌گردد؛ به جاودانه‌ای که فنا ندارد و به نامی که رد نمی‌شود، و به ربوبیتی که ذلیل نمی‌گردد؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و این که با من چنین و چنان کنی.



عبدالله بن فضل از پدرش نقل می‌کند که گفت: همراه هارون الرشید بودم؛ روزی غضبناک رو به من کرد در حالی که شمشیر را در دست داشت و آن را می‌چرخاند - آنگاه ورود امام کاظم علیه السلام را بر هارون الرشید ذکر می‌کند و اینکه آن حضرت را بر خلاف انتظار گرامی داشت؛ تا آنجا که گوید: به امام عرضه داشتم: چه چیزی گفتمی که غضب هارون الرشید را کفایت کردی؟ فرمود: دعای جدّم حضرت علی علیه السلام که آن حضرت هرگاه آن را می‌خواند به لشکری حمله نمی‌برد، مگر آنکه آنان را پراکنده می‌ساخت و به جنگجویی حمله نمی‌کرد، جز آنکه او را مقهور می‌ساخت و آن دعای کفایت بلاست؛ پرسیدم: آن دعا چیست؟ فرمود: این دعا است:

اللَّهُمَّ بِكَ أَسَاوِرُ وَبِكَ أَحَاوِلُ وَبِكَ أَحَاوِرُ وَبِكَ أَصُولُ وَبِكَ
أَمُوتُ وَبِكَ أَحْيَا أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَسَتَرْتَنِي وَعَنِ الْعِبَادِ بِلُطْفِ مَا

خَوَّلْتَنِي أَغْيَيْتَنِي إِذَا هَوَيْتُ رَدَدْتَنِي وَإِذَا عَثَرْتُ قَوَّيْتَنِي وَإِذَا مَرَضْتُ
شَفَيْتَنِي وَإِذَا دَعَوْتُ أَجَبْتَنِي يَا سَيِّدِي ارْضَ عَنِّي فَقَدْ أَرْضَيْتَنِي. (۱)

خدایا! به یاری تو حمله کرده و به کمک تو راه چاره می‌جویم و به نصرت می‌جنگم و از تو یاری می‌جویم و به تو مرده و زنده می‌شوم؛ جانم را تسلیم تو کرده و کارم را به تو واگذار نمودم و هیچ نیرو و توانی جز به اراده‌ی خدای برتر و والا نیست.

خدایا! تو مرا خلق کرده و روزی دادی، و مسرور نموده و پوشاندی؛ میان بندگان به لطفت مرا بهره‌مند ساختی؛ هر گاه سرگردان شدم، مرا باز گردانده و هر گاه لغزیدم، مرا نگاه داشتی و هر گاه بیمار شدم، شفایم دادی و هر گاه تو را خواندم، اجابت نمودی؛ ای آقایم! از من خشنود باش؛ چرا که مرا خشنود کردی.



حضرت زهرا علیها السلام:

۷ سلمان فارسی گوید: ده روز بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه خود بیرون آمدم پس به خدمت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم. فرمودند که: ای سلمان از مادوری نموده‌ای و به نزد ما نمی‌آیی؟ سلمان گفت: ای حبیب من یا ابا الحسن، از مثل شما شخصی چگونه دوری می‌توان نمود؟ بلکه حزن و اندوه من از برای رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا مانع بود و نگذارده که در این چند روز به خدمت رسم. پس امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که: ای سلمان برو به منزل فاطمه علیها السلام که بسیار مشتاق دیدن تو است و اراده دارد که تحفه‌ای به تو دهد از تحفه‌ای که از بهشت برای او آمده. پس من گفتم: یا علی از برای فاطمه بعد از رحلت رسول خدا از بهشت تحفه نیز می‌آید؟

حضرت فرمودند: بلی دیروز تحفه‌ای آمده است. پس سلمان گفت: به سرعت بسیار شتافتم و به دولتخانه فاطمه دختر رسول خدا رسیدم، آن حضرت را دیدم نشسته و پارچه عبائی بر خود پیچیده که اگر سر خود را می‌پوشانید پایهای مبارکش باز بود و اگر پایهای مبارکش را

می پوشانید فرق مبارکش ظاهر بود. پس چون نظر مبارکش بر من افتاد سر و روی خود را پوشانیده فرمودند که: ای سلمان بعد از فوت پدرم رسول خدا ﷺ از ما دوری اختیار نموده ای؟ در جواب گفتم: حاشا که من از شما دوری جویم ای حبیبه من! حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: خوش بنشین و متوجه باش سخنی را که به تو می گویم. بعد از آن فرمودند: دیروز در همین موضع نشسته و در خانه را بسته بودم و با خود در فکر بودم که بعد از رسول خدا و حی الهی از ما قطع گشته و فرشتگان از منزل ما منصرف شدند و در این خیال بودم که دیدم در خانه گشوده شد بدون آن که شخصی او را بگشاید و سه نفر دختر داخل خانه شدند که در حسن و جمال و نازکی بدن و تازگی صورت و خوش بوئی ایشان هیچ بیننده ای مثل ایشان را ندیده، چون ایشان را دیدم متوجه گردیده مهربانی نمودم و گفتم قسم می دهم شما را به پدرم که بگوئید از اهل مدینه هستید یا از اهل مکه؟ گفتند: ای دختر محمد رسول خدا ما نه از اهل مدینه و نه از اهل مکه و نه از اهل روی زمینیم بلکه کنیزانیم از اهل حور عین از دار السلام بهشت، و پروردگار عالمیان ما را به سوی تو ای دختر محمد رسول خدا ﷺ فرستاده است و ما بسیار مشتاق دیدار تو بودیم. پس پرسیدم از یکی از ایشان که به گمانم بزرگتر بود، نام تو چیست؟ گفت: مقدوده گفتم از چه جهت نام تو را مقدوده گذاردند؟ گفت: از برای آن که من از جهت مقداد بن اسود کنندی مصاحب رسول خدا ﷺ مخلوق شده ام. پس از دیگری پرسیدم که نام

تو چیست؟ گفت: ذرّه. گفتم چرا نام تو را ذرّه گذاشته‌اند و حال آن که تو در نظر من بزرگی؟ گفت: از برای آن که من جهت ابو ذر غفاری مصاحب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخلوق گردیده‌ام. پس از سوّم پرسیدم که نام تو چیست؟ گفت: سلمی. گفتم: چرا تو را سلمی نام گذاردند؟

گفت: من از جهت سلمان فارسی خادم پدر تو رسول خدا صلی الله علیه و آله خلق شده‌ام. بعد از آن حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که: بیرون آوردند از برای من قدری از رطب مانند خشکناج بزرگ که سفیدتر بود از برف و خوش بو تر بود از مشک آذفر. پس حضرت فاطمه علیها السلام از آن رطب یک دانه به من دادند و فرمودند که: امشب با این افطار نمای و فردا استخوان این رطب را بیاور. پس آن رطب را گرفته از خانه آن حضرت بیرون آمدم و به هر شخص از اصحاب آن حضرت که گذشتم، گفتمند: ای سلمان مشک با خود داری؟ می‌گفتم: بلی. پس در وقت افطار به آن رطب افطار نمودم و استخوانی در آن نیافتم پس روز دیگر به خدمت حضرت رسیده عرض نمودم که: دیشب به آن رطب افطار نمودم و آن رطب استخوان نداشت؟ فرمودند: او را چگونه استخوان باشد و حال آن که آن رطب از درختی است که خدای تعالی آن را در دار السّلام بهشت غرس نموده به سبب دعائی که مرا پدر بزرگوام تعلیم نموده و من هر صبح و شام مداومت به آن کلمات می‌نمایم.

سلمان گفت که: ای سیده من به من این کلمات را تعلیم نمای. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که: اگر مداومت نمائی به این کلمات

خدای تعالی ترا از علت تب نگاه می دارد مادام که در دار دنیا باشی. پس این حرز را تعلیم نمودند و آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ التَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَيَّ نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ
الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ
فِي رَقٍّ مَشْهُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَيَّ نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ
مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَيَّ السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. (۱)

ابتدا می‌کنم به نام خدای بخشنده مهربان ابتدا می‌نمایم به اسم خدا که روشن است ابتدا می‌کنم به اسم خدا که روشنی بخش. روشنی است ابتدا می‌کنم به نام خدا که نوری است. بر نور ابتدا می‌نمایم به اسم خدایی که او است تقدیرکننده چیزها. ابتدا می‌کنم به اسم خدایی که خلق نمود نور را از نور. سپاس خدای را که موجود نموده است نور را. و نازل ساخته است نور را. بر کوه طور در کتابی نوشته شده در صحیفه‌های از پوست که متفرقند، به اندازه تقدیر کرده شده بر پیغمبری نیکو

گردانیده شده و سپاس مر خدای را که او به قوّه و غلبه ذکر
کرده شده است و به مباحثات مشهور است و بر خوشحالی و
سختی شکر کرده شده است و رحمت فرستد خدا بر سید ما که
محمد است و بر آل او که پاکند از گناه.

پس سلمان گفت که: من یاد گرفتم و قسم به خدا که این حرز را به بیشتر
از هزار نفر از اهل مدینه و مکه آموختم که همگی آزار تب داشتند و به
برکت خواندن این دعا.



امام سجاده علیه السلام:

امام صادق علیه السلام فرمود: زین العابدین علیه السلام می فرمود: اگر

این کلمات را بگویم واهمه‌ای از هجوم انس و جن
ندارم.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي
وَإِلَيْكَ أَلْبَجأتُ ظَهْرِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ
الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْيَ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ
فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ قِبَلِي وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. (۱)

بنام خدا و به خدا و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا و بر آئین
رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - خداوندا به تو خود
را سپردم و پشتم را به تو پناه دادم و رویم را به سوی تو متوجه
ساختم و امرم را به تو واگذار نمودم. خداوندا مرا با حفظ ایمان
حفظ کن از پیش رویم و از پشت سرم و از سمت راستم و از

سمت چپم و از بالای سرم و از زیر پایم و از برابرم، و [بدی‌ها
را] از من به نیرو و قوتت دور کن، که نیرو و قوتی جز به تو
نیست.



امام صادق علیه السلام:

یونس بن عمّار گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: ۹
 همسایه‌ای دارم قرشی و از خاندان محرز است، هر گاه از کنارش رد می‌شوم نامم را برده و ناسزا گفته و می‌گوید: این فرد شیعه بوده و اموال را نزد امام صادق علیه السلام می‌برد، امام فرمود: او را نفرین کن، هنگامی که در نماز شب قرار گرفتی در سجده آخر رکعت دوم از نماز شب حمد و ثنای الهی گفته سپس بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ قَدْ شَهَرَنِي وَ نَوَّهَ بِي وَ غَاظَنِي وَ عَرَضَنِي
 لِلْمَكَارِهِ. اللَّهُمَّ اضْرِبْهُ بِسَهْمٍ عَاجِلٍ تَشْغَلُهُ بِهِ عَنِّي. اللَّهُمَّ وَ قَرِّبْ أَجَلَهُ
 وَ اقْطَعْ أَثْرَهُ وَ عَجِّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ السَّاعَةِ السَّاعَةِ. ^(۱)

خدایا! فلانی پسر فلانی ابروی مرا در جامعه مخدوش نموده و ناسزا می‌گوید، و مرا خشمگین ساخته و در معرض واقع شدن در مشکلات قرار می‌دهد، خدایا! او را با تیر غیبی‌ات به گونه‌ای بزن که مرا از او مشغول داری، خدایا! پایان عمرش را نزدیک و شرش را زایل ساز، و ای پروردگرم! این کار را همین لحظه همین لحظه انجام بده.

یونس گوید: زمانی که به کوفه رسیدیم هنگام شب بود، و از اهل خانه در مورد او سؤال کردم. گفتم: فلانی چه کرده است؟ در پاسخ گفتند: بیمار است و هنوز سخن را به پایان نرساندم که فریاد شیون از خانه اش برخاست و گفتند: او مرده است.



عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی شبهه ای به شما می رسد و در آن بدون نشانه آشکار و امام هدایت بماند و کسی از آن شبهه نجات نمی یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند. گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می گویی:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. ^(۱)

ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای گرداننده دلها، دلم را بر دینت ثابت و محکم گردان.

گفتم: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ» حضرت فرمود: همانا خداوند عزوجل تغییر دهنده قلبها و دیدگان است ولی همان گونه که خواندم «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».



امام کاظم علیه السلام:

دعای امام کاظم علیه السلام زیر ناودان کعبه، و روایت شده که در

۱۱ آن اسم اعظم می باشد:

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ (سه مرتبه) يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ (سه مرتبه) يَا حَيُّ
لَا يَمُوتُ (سه مرتبه) يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ (سه مرتبه) يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ (سه مرتبه) أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (چهار مرتبه) يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (سه مرتبه) أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ (دو مرتبه)
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَزِيزُ الْمُبِينُ (سه مرتبه).^(۱)



امام کاظم علیه السلام فرمود: هر که پیش از ملاقات با ظالم سورۀ

۱۲

توحید را بخواند خداوند او را از پیش رو و پشت سر و

راست و چپ از گردن فرازی آن ظالم باز دارد و نیکی او را نصیب وی

می کند و فرمود: هر گاه از چیزی هراسان شدی صد آیه از قرآن - از هر

جای آن که خواستی - را بخوان. سپس سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ. (۱)

خدایا! بلا را از من دفع نما.



روایت شده هنگامی که امام کاظم علیه السلام بر هارون وارد شد،
 ۱۳ او قصد بدی در مورد ایشان داشت، اما بعد از دیدن
 ایشان برخاسته و آن حضرت را بوسیده و هدایای به ایشان داد، آنگاه که
 امام بازگشت فضل بن ربیع به هارون گفت: ای امیر مؤمنان! قصد آزار و
 اذیت او را داشتی اما هدیه و پاداش عطا کردی، گفت: ای فضل امر
 بزرگی را از او مشاهده نموده و مقامش را نزد خداوند والا دیدم،
 هنگامی که رفتی تا او را نزد من آوری گروهی را دیدم که دور خانه ام را
 محاصره کرده بودند، در دست هایشان نیزه‌هایی بود که در پایه‌های
 ساختمان وارد کرده بودند، و گفتند: اگر فرزند پیامبر خدا را آزار دهی
 تو را در زمین فرو خواهیم برد و اگر نیکویی نمایی باز می‌گردیم، فضل
 گوید: به دنبال امام رفتم و گفتم: چه خواندی که سر هارون از تو دفع
 شد؟ فرمود: دعای جدم امیر مؤمنان علیه السلام را، هرگاه آن را می‌خواند به
 لشکری حمله نمی‌برد مگر این که آنان را فراری می‌داد، و به جنگاوری
 حمله نمی‌کرد مگر این که بر او پیروز می‌شد، و آن دعای برطرف شدن
 بلا است، گفتم: آن دعا کدام است؟ فرمود:

اللَّهُمَّ بِكَ أَسَاوِرُ وَبِكَ أُجَادِلُ وَبِكَ أَصُولُ وَبِكَ أُنْتَصِرُ وَبِكَ أَمُوتُ
وَبِكَ أَحْيَى، أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (۱)

خدایا! به قدرت تو حمله کرده، و به یاری تو جدل نموده و به
وسیله تو به مقصد می‌رسم، و از تو یاری می‌جویم، و به اراده
تو می‌میرم و زنده می‌شوم، جانم را به تو تسلیم کرده و کارم را
به تو واگذار می‌کنم، نیرو و توانی جز به خدای برتر و والا
نیست.



امام رضا علیه السلام:

از یاسر خادم روایت شده: هنگامی که امام رضا علیه السلام به قصر حمید داد - تا آنجا که گوید - گفتم: فدایت شوم کنیز کاغذی را در لباس تو یافته آن چیست؟ فرمود: ای حمید این تعویذی است که آن را از خود جدا نمی کنیم، گفتم: اگر مرا بدان مفتخر گردانی [موجب شادمانی من شود]، فرمود: این تعویذی است که هر که آن را در لباسش نگاه دارد بلاء از آن دور بوده، و در مقابل شیطان رانده شده او را نگاه می دارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرِ تَقِيٍّ أَخَذْتُ
بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيَّ وَلَا عَلَى
سَمْعِي وَلَا عَلَى بَصْرِي وَلَا عَلَى شَعْرِي وَلَا عَلَى بَشْرِي وَلَا عَلَى
لَحْمِي وَلَا عَلَى دَمِي وَلَا عَلَى مُخِّي وَلَا عَلَى عَصْبِي وَلَا عَلَى
عِظَامِي وَلَا عَلَى مَالِي وَلَا عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي . سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
بِسْتِرِّ النَّبُوَّةِ الَّذِي اسْتَرَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ
جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وِرَائِي

و مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَامِي وَ اللهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي . اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَا تَاكَ أَنْ يَسْتَمِرَّنِي وَ يَسْتَخْفِنِي . اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ .^(۱)

بنام خداوند بخشنده مهربان، بنام خدا، من از تو به خداوند پناه می‌برم اگر پرهیزکار بوده یا نباشی، به خداوند شنوای بینا، چشم و گوشت را گرفتم، تو قدرتی بر من و نه بر گوشت و چشم و مو و پوست و گوشت و خون و مخ و رگ‌ها و استخوان‌ها و اموال و آنچه خداوند بمن روزی کرده، نداری.

بین خود و تو به پوششی که پیامبران الهی با آن از حملات جباران و فراعنه خود را پوشیده می‌داشتند، خود را پوشیده داشتیم، جبرئیل از سمت راست، و میکائیل از سمت چپ، و اسرافیل از پشت سر، و حضرت محمد پیشاپیش من قرار دارند، و خداوند بر من آگاه بوده و تو و شیطان را از من بازمی‌دارد.

خداوندا! جهالت او بر صبر تو غالب نمی‌گردد تا مرا فریب داده یا خفیف شمرد، خداوندا به تو پناه آورده‌ام، خدایا بتو پناه آورده‌ام، خدایا به تو پناه آورده‌ام.

سید ابن طاوس رحمته الله گوید که این حرز دارای قصه‌ای فرح‌بخش و

حکایتی تعجب آورنده است، همچنان که ابو الصلت هر وی آن را روایت نموده که روزی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در منزل خود نشسته بودند و من در خدمت آن حضرت بودم. پس فرستاده مأمون بر آن حضرت داخل شد و گفت امیر المؤمنین را اجابت نمای. پس آن حضرت برخاستند و فرمودند ای ابو الصلت بدرستی که مأمون مرا در این وقت نمی خواند مگر برای آزار عظیمی که به من برساند. پس قسم بخدا که نمی تواند چیزی که ناخوش داشته باشم بجای آورد، از جهت چند کلمه ای که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رسیده است. ابو الصلت گوید که: همراه آن حضرت پس بیرون رفتم تا آن که بر مأمون داخل شدیم. پس چون آن حضرت مأمون را دیدند این حرز را تا به آخر خواندند. پس چون به نزدیک مأمون رسیدند، مأمون به سوی آن حضرت نگاه کرد و گفت: یا ابا الحسن به تحقیق که از برای تو به صد هزار درهم امر نمودیم و حاجتهای اهل و عیال خود را بنویس. پس چون آن حضرت از نزد مأمون دور شدند، مأمون از عقب آن حضرت نگاه کرد و گفت: من چیزی را اراده داشتم و خدای تعالی چیزی را و آن چه خدا اراده نموده بهتر است.



امام مهدی علیه السلام (دعای علوی مصری):

دعایی است مشهور به دعای علوی مصری برای هر

۱۵

سختی و محنتی. محمد بن علی علوی حسینی مصری

گوید: به من اندوه شدیدی رسید و بر من گرفتاری سختی از جانب مردی از اهالی شهر من از حکام آن ولایت رخ نمود. از او می‌ترسیدم چنان ترسی که خلاصی از آن را امید نداشتم.

پس به سوی مزار مولای خود و پدران خویش صلوات‌الله‌علیهم - به حرم حضرت امام حسین علیه السلام - متوجه شدم که به ایشان پناه برده و به قرب ایشان پناه گیرم و از شدت قهر و خشم کسی که از او می‌ترسیدم، امان یابم. چون به آن جا رسیدم، در حرم پانزده روز اقامت کردم و دائماً در شب و روز مشغول خواندن دعا و زاری بودم تا آن که حضرت صاحب الزمان و خلیفه الرحمن علیه و علی آباءه افضل التحیه والسلام ظاهر شد. پس حضرت در شبی بین خواب و بیداری آمد و فرمود: ای فرزند، از فلان شخص ترسیده‌ای؟ در جواب گفتم: بلی، قصد دارد که نسبت به من چنین و چنین به جای آورد. به شما آقایان خود متوسل گشتم از جهت آن که شکوه نمایم، تا مرا از این بلیه نجات دهید.

حضرت فرمود: چرا خدا و پروردگار خود و پروردگار پدران خود

را به دعایی نمی خوانی که به آن دعا پیغمبران و اجداد من، در وقتی که در شدت و سختی بودند خداوند را خوانده‌اند. پس خدا از ایشان گرفتاری را برطرف کرد؟! گفتم: دعایی که ایشان خواندند چیست تا من نیز بخوانم؟ حضرت فرمود: شب جمعه غسل کن و نماز به جای آور، هرگاه از سجده شکر فارغ شوی، این دعا را بخوان، در حالی که دو زانو، زاری کنان نشسته باشی.

راوی گوید: حضرت مرا در پنج شب پی در پی می آمد و دعا را مکرر نمود تا آن که دعا را یاد گرفتم. چون شب جمعه شد حضرت نیامدند. برخاستم و غسل کردم و جامه خود را تغییر دادم و بوی خوش استعمال نمودم و نماز شب را به جای آوردم و بر دو زانو نشسته، خدا را به این دعا خواندم. چون شب شنبه شد، حضرت صاحب الامر علیه السلام آمد، به همان نحوی که در شب‌ها بین خواب و بیداری می آمد. به من فرمود: دعای تو ای محمد مستجاب شد و دشمن تو کشته شد. وقتی از خواندن دعا فارغ شدی، خدا او را هلاک نمود.

محمد می گوید: چون صبح شد، قصدم آن بود که سروران خود را وداع نمایم و به شهری که از آن گریخته بودم، برگردم. چون بیرون رفتم و به اثنای راه رسیدم، قاصدی را دیدم که از جانب اولاد من نامه‌ای داشت، مضمون آن این چنین بود: مردی که از او گریخته بودی، جماعتی را جمع کرد و برای ایشان غذایی را تهیه نمود، پس خوردند و آشامیدند و بعد از آن متفرق شدند و آن شخص و غلامان او خوابیدند.